



از سری مباحث اقتصاد ایران (شماره ۱۱)

فاینانس یا جذب سرمایه گذاری خارجی

شرکت گروه مشاوران مدیریت و مطالعات راهبردی تدبیر

آبان ماه ۱۳۹۶

بسمه تعالی

مقدمه:

اقتصاد ایران برای افزایش نرخ رشد اقتصادی، محتاج ظرفیت سازی‌های فراوان است. یکی از ظرفیت سازی‌های اصلی، مربوط به تامین منابع مالی خارجی می‌شود. شقوق تامین منابع مالی خارجی، متنوع و گوناگون است که مهمترین آنها، **فاینانس (وام خارجی) و جذب سرمایه گذاری خارجی (FDI)** می‌باشد. اما پرسش اساسی اینست که کدامیک از آنها دارای ریسک کمتر و مزایای بهتر است؟ در این مقاله به تبیین ابعادی از این پرسش مهم پاسخ داده می‌شود.

۱- میزان نیاز به منابع خارجی:

مقامات مالی و پولی کشور، یکی از الزامات نرخ رشد اقتصادی ۸ درصدی را جذب منابع خارجی به میزان ۲۸ تا ۵۰ میلیارد دلار خارجی در هر سال می‌دانند. این منابع را می‌توان از طریق فاینانس و یا جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تامین نمود. اما هر یک از آنها دارای ویژگی‌های مختلفی است.

۲- مزایای جذب سرمایه گذاری خارجی:

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عبارتست از سرمایه وارد شده به یک کشور به منظور سرمایه‌گذاری با دخالت موثر و پایدار در اداره یک پروژه یا شرکت از سوی اشخاص حقیقی یا حقوقی خارجی. جذب سرمایه گذاری خارجی دارای مزایای مختلفی است که رئوس آنها عبارتند از:

* ورود فناوری پیشرفته به کشور میزبان.

* بهره‌گیری از مدیریت نوین و کارآمد.

* دستیابی به شبکه فروش و بازارهای گسترده‌ای جهانی.

تلفیق تمامی مزایای مزبور، منجر به **بومی‌سازی دانش و فناوری‌های پیشرفته** در کشور میزبان می‌شود که مسیر رشد و توسعه را هموارتر می‌سازد.

یکی از خط مشی های اصلی توسعه و پیشرفت کشور چین، معطوف به جذب سرمایه گذاری خارجی بوده است. میزان جذب سرمایه گذاری خارجی با افزایش تولید ناخالص داخلی و صادرات کالا در کشور چین، دارای همبستگی فراوانی هستند. جدول ذیل این وضعیت را نشان می دهند:

۲۰۱۶	۲۰۱۰	۲۰۰۰	۱۹۹۰	
۱۱،۱۹۹	۶،۱۰۱	۱،۲۱۱	۳۶۱	تولید ناخالص داخلی - میلیارد دلار
۸،۱۲۳	۴،۵۶۱	۹۵۹	۳۱۸	درآمد سرانه - دلار
۱۷۱	۲۴۴	۴۲	۳	جذب سرمایه گذاری خارجی - میلیارد دلار
۱،۹۹۰	۱،۴۸۶	۱۱۱	۵۲	صادرات کالا - میلیارد دلار

مأخذ: سری های زمانی بانک جهانی - ۲۰۱۷

یکی از نکات مهم در خصوص اقتصاد چین اینستکه حدود ۷۰ درصد از کل صادرات چین (بزرگترین صادرکننده جهان) ، توسط شرکتهایی صورت می گیرد که از طریق «سرمایه گذاری مستقیم خارجی» یا «سرمایه گذاری های مشترک» پدید آمده اند. و دارای «برندهای» شناخته شده هستند. کار آفرینان چینی طی سالهای ۲۰۱۰-۱۹۸۰، در ازای فرایند جذب سرمایه گذاری خارجی، در حوزه های مختلف همچون دانش مدیریت، فناوری و بازار، «یادگیری» داشته اند. در ادامه این روند نیز از سال ۲۰۱۰ بعد، توانسته اند در بعضی از رشته فعالیت ها دارای برندهای معتبر در مقیاس جهانی شوند. بعنوان نمونه می توان به شرکت هوا وی اشاره کرد. این شرکت که در ادامه سرمایه گذاری خارجی در حوزه صنایع الکترونیک در کشور چین شکل گرفته است، هم اکنون به بلوغ مناسب در این حوزه رسیده است. فروش جهانی شرکت مزبور در دو ماه گذشته، حتی از شرکت اپل نیز پیشی گرفته است.

۳- ریسک های فاینانس:

فاینانس اخذ وام از طرف خارجی می باشد که باید بازپرداخت شود. از اینرو باید نسبت به موارد مصرف فاینانس کمال دقت را بعمل آورد. هرگاه فاینانس، صرف سرمایه گذاری در پروژه هایی که دارای ویژگی هایی همچون فناوری عقب مانده ، فاقد رقابت پذیری و عدم قابلیت صادرات باشند، امیدی به بازپرداخت اصل و فرع وامها

نخواهد بود. لذا اخذ وام خارجی در میان مدت به یکی از چالش های اصلی کشور میزبان تبدیل خواهد شد (قبادی، ۱۳۹۶) چرا که معمولاً دولت ها مسوولیت بازپرداخت فاینانس ها را برعهده دارند. بنابراین نباید تنها به دریافت فاینانس و گشایشی که از طریق آن حاصل می شود، خوشحال بود و یا قانع گردید. چرا که ریسک های این روش برای تامین مالی بسیار زیاد است. هر گاه تغییرات نرخ ارز در کشور میزبان، فراوان باشد، ابعاد ریسک پذیری نیز افزایش پیدا خواهد کرد.

۴- الزامات فاینانس:

برای پرهیز از ریسک های بالای فاینانس و وام خارجی، رعایت چند الزام ضروری می باشد. از الزامهای مورد نظر اینستکه منابع باید در صناعی که از فناوری روز استفاده می کنند، بهره‌وری بالا دارند، رقابت پذیر هستند و محصولات تولیدی آنها قابلیت صادرات داشته و با محصولات مشابه وارداتی رقابت می نمایند، تخصیص یابد. تحقق این امر، نیازمند تدوین استراتژی صنعتی کشور، مشخص کردن اولویت ها، اصلاح زیرساخت ها و بسترسازی مناسب برای این قبیل سرمایه گذاری ها است. هر گاه این اقدامات صورت پذیرد، نه تنها ریسک فاینانس شدیداً کاهش پیدا می کند، بلکه موجب افزایش جذابیت سرمایه گذاری برای سرمایه گذاران داخلی شده و حتی زمینه را برای جذب «سرمایه گذاری های مستقیم خارجی» نیز فراهم می سازد (قبادی، ۱۳۸۶)

ارزیابی:

با توجه به نکاتی که گفته شد، جذب سرمایه گذاری خارجی بمراتب دارای ارجحیت بیشتر نسبت به فاینانس (وام خارجی) است. چرا که ریسک های سرمایه گذاری مستقیم خارجی بمراتب کمتر از فاینانس می باشد و مزایای آن نیز بمراتب بیشتر از فاینانس است. بعبارت دیگر، فاینانس و سرمایه گذاری مستقیم خارجی، موجب ورود سرمایه خارجی به کشور می شوند، اما جذب سرمایه از طریق «سرمایه گذاری مستقیم خارجی» با امتیازاتی همراه است که از طریق فاینانس تحقق پیدا نمی کند (قبادی، ۱۳۹۶). اما هر گاه به سبب محدودیت های مختلف داخلی و بین المللی، زمینه جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی فراهم نباشد، می توان از فاینانس با رعایت الزامات مربوطه بهره گیری نمود.